

به نام خدا

افت تحصیلی در دانش آموزان

مولفان :

محمد علی ایرانمنش

میثم جوکار

سید حسن میرتونی

صدیقه کریمی اشنی

محمدصادق باقری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: افت تحصیلی در دانش آموزان/مولفان محمدعلی ایرانمنش... [و دیگران].
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۰۸ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۷۹-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: مولفان محمدعلی ایرانمنش، میثم جوکار، سیدحسن میرتونی، صدیقه کریمی اشنی،
محمدصادق باقری.

یادداشت: کتابنامه: [۱۰۱]-۱۰۶.

موضوع: افت تحصیلی -- جنبه‌های اجتماعی

*Educational depreciation -- Social aspects

Educational depreciation -- Iran*

افت تحصیلی -- ایران

Education -- Sociological aspects

آموزش و پرورش -- جنبه‌های جامعه‌شناختی

افت تحصیلی -- مطالعات تطبیقی

*Educational depreciation -- Comparative studies

شناسه افزوده: ایرانمنش، محمدعلی، ۱۳۴۹ -

رده بندی کنگره: LC۱۴۲

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۲۹۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۹۱۴۸۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: افت تحصیلی در دانش آموزان

مولفان: محمد علی ایرانمنش - میثم جوکار - سید حسن میرتونی

صدیقه کریمی اشنی - محمدصادق باقری

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زرچند

قیمت: ۸۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۷۹-۹

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	فصل اول.....
۷.....	کلیات.....
۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	اهمیت موضوع.....
۱۵.....	فصل دوم.....
۱۵.....	مبانی نظری.....
۱۵.....	مفهوم آموزش و پرورش.....
۱۸.....	جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.....
۱۹.....	هدف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.....
۲۰.....	نظام جدید آموزش و پرورش در ایران.....
۲۴.....	آموزش و پرورش دوره متوسطه.....
۳۰.....	عوامل افت تحصیلی.....
۴۳.....	بررسی افت تحصیلی و عوامل موثر در آن در چند کشور خارجی.....
۴۴.....	دلایل ترک تحصیل در منطقه خاورمیانه.....
۴۶.....	افت تحصیلی در چند کشور پیشرفته صنعتی و شیوه‌های مقابله با آن.....
۴۷.....	۱- اقدام‌های سازمانی.....
۴۷.....	۲- اقدام‌های تربیتی.....
۴۷.....	۳- اقدام‌های انگیزشی و مادی.....

- ۴- مشارکت اولیاء و جامعه محلی ۴۸
- ۵- اقدام های غیر رسمی ۴۸
- افت تحصیلی در غرب و شیوه های مبارزه با آن ۴۸
- ۱- افت تحصیلی و عوامل فردی ۴۸
- ۲- افت تحصیلی و کمبود خانوادگی ۴۹
- ۳- افت تحصیلی و عوامل درون مدرسه ۵۰
- شیوه های برخورد با پدیده افت تحصیلی در غرب ۵۱
- ۱- روشهای ترمیمی و جبرانی مقابله با افت تحصیلی ۵۱
- ۲- روشهای تغییر و تحول بنیادی مدرسه ۵۱
- ۱- آموزش و پرورش جبرانی ۵۳
- الف) برنامه های متنوع جبرانی ۵۴
- ب) اثرات آموزش و پرورش جبرانی ۵۴
- ۲- خدمات حمایتی ۵۵
- الف) خدمات حمایتی در فرانسه ۵۵
- ب) خدمات حمایتی در بلژیک : کلاسهای تطبیقی ۵۶
- ۳- آموزش متقابل ۵۷
- ۴- جنبشهای مبارزه با نابرابریها ۵۸
- ۵- آموزش خانواده ۶۰
- ۶- پیوند خانه و مدرسه ۶۱
- ۷- پروژه های محلی و منطقه ای مبارزه با افت تحصیلی ۶۳
- خسارتهای ناشی از شکست تحصیلی در ایران ۶۹

- الف) هزینه های تحمیل شده بر دولت شامل: ۶۹
- ب) هزینه های تحمیل شده بر خانواده شامل: ۷۰
- ج) خسارتهای وارده به دانش آموز شکست خورده شامل: ۷۰
- راه‌حلهای پیشنهادی و اجرایی ۷۱
- روش دیگر جلوگیری از افت تحصیلی ۷۱
- رویکردهای جامعه شناسی به آموزش و پرورش ۷۶
- دورکیم ۷۶
- پارسنز ۷۷
- مارکسیم ۷۹
- آلتوسر ۷۹
- بولز و گین تیس ۸۰
- پائولو فریره ۸۱
- پی یر بوردیو ۸۱
- پایه تحصیلی ۸۴
- مدرسه ۸۵
- دوره متوسطه ۸۵
- تکرار پایه ۸۵
- تکرار کننده پایه ۸۶
- ترک تحصیل ۸۶
- ترک تحصیل کننده ۸۶
- شکست یا افت تحصیلی ۸۶

خانواده	۸۷
درآمد	۸۷
شغل	۸۸
تحصیلات افراد	۸۸
عدم امیدواری به آینده تحصیلی	۸۸
نرخ ترک تحصیل سواد آموز	۸۸
اصحاب اصالت تجربه	۸۸
جامعه‌شناسی تفهیمی	۸۹
نظریه باز تولید مناسبات سلطه ناظر بر معیارهای گزینش در نظام آموزشی	۹۲
پیشینه تحقیق در سطح جهان:	۹۵
پیشینه تحقیق در ایران:	۹۶
منابع	۱۰۱
پرسشنامه	۱۰۷

فصل اول

کلیات

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان و در پاسخ به نیاز انسانها در روابط متقابل به شکل ابتدایی خود وجود داشته‌است. آموزش و پرورش رسمی از اوایل قرن حاضر به صورت یک نظام فراگیر، ابتدا جوامع پیشرفته و متعاقب آن سراسر جوامع در حال پیشرفت را فرا گرفته است و امروز جامعه‌ای نیست که این نظام نقشی در تحول و پیشرفت آن نداشته باشد. (فومنی، ۱۳۸۲، ۱۳)

قلمرو رشد و فعال شدن استعدادها و تواناییهای آدمی را زمان- مکان (جایگاه) یا شرایط زمانی- مکانی (موقعیت) تعیین می‌کند و جهت می‌دهد. بنابراین تربیتی سودمند و اثربخش خواهد شد که آن شرایط را در نظر بگیرد و با آنها هماهنگ باشد و یا بتواند شرایط نامطلوب را به شرایط مطلوب تغییر دهد. به عبارت دیگر رشد و تکامل و فعال شدن استعدادها و تواناییهای هر شخص، مستلزم وجود سالم: خانواده سالم، جامعه سالم و موقعیت (مجموع شرایط زمانی- مکانی موثر) سالم است و توأم بودن آنها از ضرورت‌های آموزش و پرورش موثر و موفق است. (شعاری نژاد، ۱۳۸۱، ۲۱).

از بین بردن بی‌سوادی، بی‌کاری، محرومیت و بسیاری از مشکلات و نارسائی‌های دیگر اجتماعی را باید در کارکرد مدرسه جستجو کرد. مدرسه مکانی است که در آن بهتر از

هر جای دیگر میراث فرهنگی هر قوم می‌تواند منتقل شود و استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان پرورش یابد و آنان را برای شرکت فعال در جامعه آماده سازد. همچنین مدرسه با پرورش رفتارها و توانائی‌هایی که مردم برای شرکت در تغییرات و رویارویی با آنها بدان نیاز دارند، راه را برای تجدید حیات اجتماعی هموارتر می‌کند. عدم موفقیت نظامهای آموزش در انجام این رسالت در بسیاری از مواقع به صورت افت یا شکست تحصیلی بروز می‌کند که شامل کیفیت ضعیف یادگیری دانش‌آموزان، تکرار پایه و ترک تحصیل است. افت تحصیلی در کشور ما از پدیده‌های مهم سازمان آموزش و پرورش است که به صورت یک مسأله‌ای مهم درآمده که نظر غالب جامعه‌شناسان و روانشناسان و مربیان تربیتی را به خود جلب کرده است. پدیده‌ای که هرساله مقادیر قابل توجهی از منابع و سرمایه‌های انسانی و اقتصادی جامعه را تلف نموده و آثار مخرب و ناگواری را نیز در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد مردود به جای می‌گذارد. باید به مسأله افت تحصیلی اندیشید، زیرا خسارت ناشی از این پدیده که باعث پژمردگی حیات و سرخوردگی یک انسان و داغ شکستی که برای یک عمر بر روان فرد نقش بسته، با تکرار یک سال یا بیشتر، بهبود نمی‌یابد (اظهار ندامت دانش‌آموزان مدارس بزرگسال یا شبانه اعم از دختر و پسر گویای این امر است). ارائه آموزش و پرورش یکسان هم برای همه دانش‌آموزان به رغم تفاوت‌های فردی، مسائل و مشکلات عاطفی در خانواده و تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند از عوامل ایجادکننده افت تحصیلی محسوب شود. از آنجا که تفاوت فرهنگی خانواده‌ها به ویژه مناطق مختلف کشورهای در حال توسعه، غالباً بارز و آشکار است، نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند برای همه طبقات اجتماعی کارآیی لازم را داشته باشد. از این رو بسیاری از کودکان و نوجوانان، بخصوص در مناطق محروم به رغم هوش و استعداد از ادامه تحصیل باز می‌مانند.

در این تحقیق سعی شده است تا ریشه‌های جامعه‌شناختی «افت تحصیلی» در مقاطع متوسطه را در منطقه ۱ تبریز تا حد امکان شناخته شود. چرا که شناخت این عوامل و

برخورد مدیرانه با آن می‌تواند کارآیی نظام مزبور را افزایش داده و جاده علم دانش را برای پیمودن نسلهای جوان هموارتر سازد.

تعاریف گوناگونی از مسأله اجتماعی توسط جامعه شناسان ارائه شده است و مسأله مورد نظر ما در اینجا «افت تحصیلی» است.

دکتر سیف‌اللهی درباره مسائل اجتماعی می‌گوید:

«در رابطه با مسائل اجتماعی^۱ می‌توان گفت امور و پدیده‌هایی که موجب تنش‌ها و ناسازگاریهای اجتماعی گردیده و به نحوی جامعه یا زندگی افراد را مورد تهدید و تضعیف قرار دهد» (سیف‌اللهی، ۴۰، ۱۳۸۱)

هر سازمانی استراتژی و راهکارهایی را براساس اهداف سازمانی خود پیش می‌گیرد که خواهان وضعیتی است که بتواند به آن سو هدایت شود و اگر شرایط حاضر سازمانی به بن‌بستهای شدیدی دچار شود، به فکر راه‌حلهای اساسی برآمده، چرا که مشکل بزرگی برای رسیدن به هدف بر سر راهش نمایان می‌شود که برای رفع آن باید هزینه‌های زیادی را بپردازد. اما اگر بخواهیم مسأله اجتماعی را اینگونه تعریف کنیم:

«هر وضعیتی که به عنوان فاصله بین واقعیت و وضعیت مطلوب پدیدار شود» (خاکی، ۱۳۸۲، ۱۴) و غالب افراد جامعه باور داشته باشند که می‌توان آن فاصله را رفع کرد. سازمان بزرگ آموزش و پرورش در ایران به یک مشکل آموزشی به نام «افت تحصیلی» دانش‌آموزان در مقاطع مختلف روبرست. این پدیده نامطلوب برای کل جامعه مسأله جدی ایجاد کرده که در مواردی ریشه در کیفیت نظام آموزشی ما داشته و اذهان متفکران اجتماعی، برنامه‌ریزان کتابهای دولتی، مربیان آموزشی، جامعه‌شناسان، روانشناسان، خانواده‌ها، سیاستمداران و را به خود مشغول داشته است. مجدداً اگر در مورد «مسائل اجتماعی» بگوییم که :

«مسایل اجتماعی جامعه پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی است که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدید کننده ارزشها و کمال مطلوبها می‌شوند. این مسایل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به طوری‌که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آنها پدید می‌آید.» (عبدالهی، ۱۳۸۳ : ۱۲)

این پدیده که به یک مسأله فراگیر و گسترده در جامعه تبدیل شده است، مانعی جدی برای رسیدن به اهداف عالی آموزش و پرورش می‌باشد که مقامات رسمی کشور را به چاره جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و رفع و یا پیشگیری آن وا می‌دارد « افت تحصیلی» مسأله‌ای نیست که بتوان آن را نادیده گرفت، چرا که از سالها قبل این پدیده در نظام آموزشی ما وجود داشته و تا الان ادامه دارد. این میزان ظاهراً در دوره متوسطه بیش از سایر مقاطع تحصیلی می‌باشد و عوامل بسیاری در آن دخالت دارد و همین امر باعث شده است تا عده زیادی از دانش آموزان، اصطلاح ریزشی و ریزشی مضاعف^۱ را به خود بگیرند و برخی هم به علت عدم کشش درسی دچار ترک تحصیل بشوند.

موضوع و سوال کلی این تحقیق آن است که :

« کدام عوامل اجتماعی در افت تحصیلی دانش آموزان کشور ما تأثیر دارند»

این یک موضوع کلی و گسترده است که برای کشف عوامل آن، گروهی بزرگ از محققان لازم است که با هزینه بسیار زیاد و همچنین با صرف زمانی طولانی به تحقیق مشغول شوند و چه بسا مشکلات بسیاری هم از جنبه‌های مختلف باعث کندی حرکت آنها شده و به علل متفاوت بودن شرایط و موقعیت مکانی و اجتماعی و فرهنگی و غیره نمی‌توان

۱- نگارنده به دانش‌آموزانی که دو سال پی در پی در یک کلاس بمانند و سال سوم اگر بخواهند در همان کلاس درس بخوانند، اصطلاح ریزشی مضاعف را اطلاق کرده است.

به دلایل ثابتی که همه کشور را در برمیگیرد رسید، اگر چه برخی از دلایل مشترک هم وجود داشته باشد. به همین دلیل سعی شده است تا موضوع تحقیق را هم از جنبه مکانی و هم از جنبه بررسی علل و عوامل آن محدودتر ساخت و روشن تر و واضح تر بیان کرد. بنابراین موضوع بالا که کلی و گسترده بود به عنوان زیر تغییر پیدا کرد.

اهمیت موضوع

در عصری که اطلاعات فراگیر شده است، افراد لاجرم در صحنه ارتباط متقابل اجتماعی و زیستن در حال و رفتن به آینده، ضروری می بینند که بخشی از آن اطلاعات را در حد نیاز کسب نمایند. و در جهان تکنولوژی نوین با فرهنگهای متنوع و متفاوت، دانش و اطلاعات، آگاهیها و اندیشه‌های زاینده و مولد، فرهنگ خوب زیستن و ارزشهای ملی و انسانی و جامعه پذیری سالم، یعنی نوعی تطابق مثبت و سازنده باید به نسلهای بعد منتقل شود و همچنین آماده سازی نسلهای آتی برای ساختن آینده‌ای ایده‌آل، که سرنوشت چنین جامعه‌ای را خود در دست داشته باشند پس کدام نهاد و سازمان بهتر از آموزش و پرورش خصوصاً در عصر جدید می‌تواند این نقشها و وظایف مهم را عهده‌دار شود.

آموزش و پرورش کشور ما میلیونها دانش آموز از مقطع ابتدایی تا متوسطه را در زیر چتر خود جمع کرده و با صرف هزینه‌های زیاد و بکارگیری مربیان، معلمان و امکانات آموزشی و غیره اجرای وظایف مهم و خطیر ذکر شده را عهده دار شده‌اند تا بتوانند کودکان و نوجوانان امروز را سالم، کارآمد و موفق از متن نظام به جامعه کشیده و آنها را قادر نمایند تا در سطح جهانی پایه‌پای پیشرفت علم و تکنولوژی و برای رفع نیازهای واقعی انسانها چه در سطح ملی و فراملی حرکت نمایند و جامعه کشور خود را در عرصه جهانی پایدار و سرافراز سازند.

ولی می‌بینیم که چگونه پس از گذشت یک سال در مقطع مختلف تحصیلی، عده‌ای از دانش آموزان به علل مختلف در تحصیل علم و دانش از حد متوسط کل دانش آموزان تنزل کرده، در جا می‌زنند، یا مجبور به تکرار پایه می‌شوند یا مردود شده و در نهایت از

ادامه تحصیل در کلاس درس خودداری می‌کنند و دچار تحصیل می‌شوند. دانش آموزان بخش وسیعی از عناصر تشکیل دهنده نظام آموزش و پرورش می‌باشند.

یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در میان دانش آموزان در نظام آموزشی و پرورش، بحث «تکرار پایه» است که مستلزم سرمایه گذاریهای اضافی زیادی است. بحث تکرار پایه در نظام آموزش و پرورش بحث جدیدی نیست. پدیده‌ای است که از دهها سال قبل در نظام‌های آموزشی وجود داشته است، روندی که ما از آن به عنوان «افت تحصیلی» یاد می‌کنیم.

وظیفه اصلی آموزش و پرورش تعلیم و تربیت است و تعلیم و تربیت از دیدگاه اقتصادی نوعی سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. لذا باید در صدد بود تا چنین سرمایه‌گذاری عظیمی که بخش عمده‌ای از سرمایه‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهد. صحیح برنامه ریزی گردد تا ضایعات آن به حد اقل برسد. بدین جهت هر گونه ضایعه‌ای که موجب تلف شدن سرمایه شود و نتیجه مطلوب از آن به دست نیاید «افت» نامیده می‌شود. چرا که هر ساله دهها میلیاردها ریال بودجه کشور را به هدر می‌دهد و نیروهای بالقوه انسان جامعه را از آموزش و پرورش خارج می‌کند و به این ترتیب عظیم ترین سرمایه‌های جامعه که همان نیروهای انسانی بی‌ثمر می‌ماند.

ریشه‌های این مشکل و مساله بزرگ و حاد از کجاست؟ آیا این یک مشکل درون سازمانی است یعنی از متن و درون نظام آموزش برخوردار است، یعنی نظام آموزش نمی‌تواند با برنامه‌ها، اصول و قواعد داخلی خود، چگونه این دانش آموزان را بر اساس نیازهای روز جامعه تربیت کند یا مشکل برون سازمانی است، یعنی از سطح علمی و معرفتی کل جامعه و نهادینه نشدن تحصیل علم. وضع نابهنجار و نامطلوب سیستم اقتصادی و طبقاتی جامعه‌ها و یا ترکیبی از آنها ناشی می‌شود؟

می‌بینیم مشکلات آموزش و پرورش از جمله مساله «افت تحصیلی» به حدی بغرنج شده است که هر ساله دهها و صدها کتاب و مجله و نشریه در جهان، خصوصاً در ایران در این مورد چاپ شده است و سمینارهای مختلف که غالباً جامعه‌شناسان و روانشناسان را به

بررسی و تجزیه و تحلیل و ارائه راه‌حل دعوت می‌نمایند برگزار می‌شود، پس به نظر محقق، انتخاب موضوع آنقدر اهمیت داشته است که به بررسی علل و عوامل عمده آن که موجب عدم کارایی نظام آموزشی و پرورش کشور شده و سبب اتلاف و هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی یک ملت می‌شود، پرداخته شود و با ارائه راه‌حل برخواسته از متن فرهنگ و ارزشهای ملی و دینی کشورمان هشدار برای مسئولین و دست‌اندرکاران سازمان تعلیم و تربیت و دولت مجری قوانین باشد تا بتوانند با تصحیح و تقویت برنامه‌های آموزشی جدید، چنین بحرانی را از جامعه ما بزدایند و با تقویت انگیزه تحصیل علم در اندیشه‌های نسل جوان، جامعه را به سوی پیشرفت واقعی و تمدن حقیقی سوق دهند.

اهداف

هر پژوهش و تحقیقی برای رسیدن به هدف و مقصود خاصی صورت می‌گیرد. این هدف غالباً خود را در قالب پرسش آغازین نمودار می‌سازد و از طریق بیان آن آشکار می‌شود. در مراحل قبل این تحقیق موضوع کلی و سوال کلی آشکار شده و این موضوع کلی به صورت یک عنوان مشخص و روشن بیان شده است. سوال اصلی و آغازین تحقیق که همان عنوان تحقیق بود، در مورد «افت تحصیلی» دانش آموزان ذکر شده است. با بررسی دقیق موضوع و عنوان تحقیق دریافتن اهمیت و ضرورت آن اهداف مهمی را می‌توان از درون آن تشخیص داد. نظر به اینکه خود محقق از دبیران سازمان بزرگ آموزش و پرورش کشور بوده، طی سالها تدریس در مدارس روستایی و شهری با مشکلات و نیازهای دانش‌آموزان، مدرسان و دیگر کارکنان اداری آن سازمان تا حدی آشنا شده با انتخاب چنین موضوعی و تحقیق درباره آن مسلماً اهدافی چند را به شرح زیر در نظر داشته است.

فصل دوم

مبانی نظری

مفهوم آموزش و پرورش

«مطالعه تحول معنای Education^۱ در زبانهای مغرب زمین نیز آموزنده است. ریشه این لغت که در زبان فارسی به «تربیت»، «تعلیم و تربیت»، «پرورش» و «آموزش و پرورش» ترجمه می‌شود، در زبان لاتین به معنی کشت نباتات، پرورش حیوانات، تغذیه و تعلیم اطفال به کار رفته است. باید اضافه شود که تا حدود نیمه قرن هفدهم آکادمی فرانسه، تربیت آدمی را فقط در معنای تعلیم او به کار می‌برده است. «مراقبت از تعلیم اطفال اعم از اینکه متوجه تمرین روح یا ورزش جسم باشد» اما لیتره بین عمل (پرورش کودک و نوجوان) و نتایج آن (عادت مکتسبه) فرق قائل می‌شود. در نظر او کسب عادت فکری چیزی و توسعه خصایل اخلاقی چیز دیگر است.» (شکوهی، ۱۳۷۵، ۲۱)

اما کلمه Education در حال حاضر در ادبیات مربوطه در سطح بین‌المللی به چهار معنا به کار می‌رود: به معنای موسسه یا نهاد (الف)، به معنای عمل یا تأثیر (ب)، به معنای محتوا (ج)، به معنای نتیجه یا محصول (د).

۱- بین تربیت (Education) و آموزش (Training) یا کارآموزی فرق است. تربیت یا آموزش و پرورش به رشد تکامل توانهای اشخاص برای شرکت خلاق در زندگی توجه دارد. آموزش یا کارورزی و کارآموزی به آماده ساختن شخصی برای نوع خاصی از استخدام توجه دارد. (شعاری نژاد، ۱۳۸۱، ۲۰۳)

-تعلیم و تربیت به معنای موسسه یا نهاد، به مجموعه ساختهای اطلاق می‌شود که در زمان معینی در یک کشور یا در گروهی از کشورها، غایتشان تربیت افراد ملت است، طبق مقررات بیش و کم دقیقی کار می‌کنند در لحظه معینی از تاریخ خصوصیات نسبه ثابتی دارند.

-عنوان عمل یا نفوذ متأثر از تعریفی است که در آغاز قرن حاضر (۱۹۱۱) دورکیم از تعلیم و تربیت کرد و از این طریق طرز فکر تربیتی چندین نسل از مربیان را تحت تأثیر قرار داد.

-در معنای محتوا در اولین تقرب برآنچه «برنامه» نامیده می‌شود منطبق است. برنامه غالباً و تقریباً منحصر به مجموعه‌ای از معارف کسب کردنی راجع است. اما تعلیم و تربیت به معنای علمی از مفهوم برنامه هم فراتر می‌رود.

-تعلیم و تربیت به عنوان «محصول» اثری است که در چهارچوب تعلیم و تربیت به معنای «نهاد» و از طریق توسل به تعلیم و تربیت در معنای «محتوا» بر تعلیم و تربیت به معنای «عمل و تأثیر» مترتب می‌شود و شایستگی و کارآیی فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی مبین آن است. (همان، ۲۶-۲۵)

پستالزی^۱ مربی و روانشناس تربیتی اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ و بانی آموزشگاههای نو می‌گوید:

«تربیت عبارتست از رشد طبیعی، تدریجی و هماهنگ کلیه استعدادها و نیروهای موجود و مکتوم در انسان»

هربارت^۱ مربی و فیلسوف آلمانی اوایل قرن ۱۹ می‌گوید:

«تعلیم و تربیت عبارتست از مراقبت از کودک و تعلیم معلوماتی که او را صاحب هنر و مهارت و فضیلت و تقوی نماید و هدف از این تبلیغات باید دستیابی به کمال شخصیت یعنی اعتدال و هماهنگی جسم و روح را فراهم سازد»

فروبل^۲ مربی بزرگ آلمانی قرن ۱۹ به تبعیت از فلسفه طبیعت دوستی یا ناتورالیسم رومانیتیک روسو و نظریات پستالزی معتقد است که فلسفه تربیت همان «رشد و تکامل نیروها و استعدادها بالقوه موجود در نهاد آدمی است» وی معتقد است که مراحل مختلف رشد از یکدیگر جدا و متمایز نیستند و این همان نظر «ژان ژاک روسو» در کتاب معروف امیل است. زیرا ژان ژاک روسو که منبع الهام پستالزی، هربات و فروبل بود، تربیت را رشد نیروهای طبیعی فردی طفل می‌داند که آموزش و پرورش باید خود را با قوای طبیعی و استعدادها ذاتی و متفاوت کودکان سازگار سازد. به عبارت دیگر روسو معتقد است که توجه به علائق و تمایلات طبیعی و کنجکاوی و حرکات و فعالیت طفل باید محور آموزش و پرورش واقع گردد. (نیک‌زاد، ۱۳۷۵، ۱۱۱ الی ۷)

اما دورکیم^۳ جامعه‌شناس معروف فرانسه که یکی از مراجع بزرگ «تعلیم و تربیت» می‌گوید:

«تربیت عملی است که نسلهای بزرگسال بر روی نسلهایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک شماری از حالات جسمانی و عقلانی و اخلاقی برانگیزد و پرورش دهد که جامعه سیاسی بر روی هم و نیز محیط ویژه‌ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود اقتضاء می‌کنند» از این تعریف چنین بر می‌آید که تربیت اجتماعی کردن رولمنند نسل جوان و وسیله‌ای

1 -Herbart

2 -Froebel

3 -Emile Durkheim 1858-1917

است برای جامعه که با آن کودکان شرایط اساسی بقای خود را فراهم می‌سازد. (دورکیم ، ۱۳۷۶، ۴۸)

البته دورکیم معتقد است که عمل تربیت که بزرگترها در حق کوچکترها انجام می‌دهند عمدتاً بر محور «وجودان جمعی» به منظور اجتماعی بار آوردن افراد لازم‌التعلیم است. (نیک‌زاد، ۱۳۷۵، ۹)

اما آخرین تعریف از آموزش و پرورش را از دیدگاه دکتر فومنی در اینجا می‌آوریم:

«آموزش و پرورش عبارتست از شیوه عمل و اعمال روش در سوادآموزی، فرهنگ‌آموزی، گسترش علوم و فنون و تخصص با برنامه‌های از پیش اندیشیده شده در چارچوب سازمانهای منطبق با نیازهای اقتصادی-اجتماعی. (فومنی، ۱۳۸۲، ۶۱)

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

آموزش و پرورش نهادی است اجتماعی که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی عمل می‌کند. کار جامعه‌شناسی مطالعه نهادهای اجتماعی و چگونگی پیدایش و سیر تکوینی آنهاست و هم‌اینجاست که جامعه‌شناسی در مطالعه نهاد آموزش و پرورش، اهمیت پیدا می‌کند. در چکیده کارهای هانری ژان^۱ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش چنین تعریف شده است:

«جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارتست از مطالعه نهادها و روابط اجتماعی در ارتباط با آموزش و پرورش» از طرف دیگر اهمیت جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در آن است که مقتضیات اجتماعی در زندگی انسانی نقش عمده دارد. در نتیجه آموزش علمی که در حدود سالهای ۱۹۰۰ در اروپا به وجود آمده ابتدا از فیزیولوژی^۲ و روانشناسی^۳ و مخصوصاً از روانشناسی الهام گرفته و سپس در مسایل مربوط به بازده آموزش و پرورش

1 -H. Janne

2 -Physiologie

3 -Psychologie

وارد شده است. دیدگاه جامعه شناختی و مطالعه تجربی آموزش و پرورش قدری دیرتر در ایالات متحد آمریکا گسترش پیدا کرد. اسمیت اولین کسی بود که برای این کار عنوان خاصی انتخاب کرد: «جامعه شناسی آموزش و پرورش» سال ۱۹۱۷.

بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) چهار واقعه عمده در جهت گیری آموزش به طرف علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسی موثر بوده است:

۱- آموزش عمومی ۲- سازمانهای آموزشی ۳- دگرگونی نقش خانواده ۴- اوج گیری انقلاب صنعتی

مطالعه سازمانهای آموزشی، نقش آموزش و پرورش در تحولات اجتماعی، فنون آموزش ناشی از این روند تحولی، تحول جمعیت و گسترش مدارس رسمی مورد نیاز جمعیت رو به افزایش جوامع، اعم از شهری و روستایی، از جمله موضوعاتی هستند که در چارچوب نهادهای اجتماعی و در حیطه مطالعات جامعه شناسی است. بر اساس چنین ملاحظاتی، جامعه شناسی آموزش و پرورش به منزله یکی از رشته های مهم جامعه شناسی به وجود می آید و با کاربرد روشهای تحقیقی مشخص، مطالعه تحولات جامعه در زمینه های مختلف و رشد جمعیت و رابطه آنها با آموزش و پرورش می پردازد. (فومنی، ۱۳۸۲، ۲۴، الی ۱۹)

هدف جامعه شناسی آموزش و پرورش

هدف جامعه شناسی آموزش و پرورش آن است که پدیده آموزش و پرورش، نحوه تشکل و سازمان پذیری، و کارکردهای عمومی آن را در زندگی اجتماعی مطالعه کند. بدیهی است که در هر جامعه ای، دامنه آموزش و پرورش از چارچوب نظام آموزش و پرورش فراتر می رود. آموزش و پرورش پدیده ای است که آشکار یا نهان در تمام ارکان و نهادهای اجتماعی جای دارد و از راه تأثیرات متقابل، در کل نظام اجتماعی نفوذ می کند.

فراگرد آموزش و پرورش، متضمن ترکیبی از روابط و کنشهای متقابل اجتماعی است. تحلیل جامعه شناختی آن می تواند هم به آموزش و پرورش رسمی که تحت شرایط

معین در آموزشگاهها صورت می‌گیرد و هم به فراگردهای تربیتی بی‌شماری که در خانواده و محیط زندگی به صورت ضمنی اتفاق می‌افتند، ناظر باشد. بنابراین، جامعه شناسی آموزش و پرورش در تعریف وسیع آن، نه فقط مطالعه نهاد آموزش و پرورش و سازمانها و روابط آن، بلکه مطالعه جوانب تربیتی سایر نهادهای اجتماعی، یا به طور کلی، تمامیت تجربه‌های یادگیری و پرورشی افراد جامعه را شامل می‌شود. پس جامعه شناسی آموزش و پرورش رسمی، بخشی از جامعه شناسی آموزش و پرورش است. (علاقه‌بند، ۱۳۸۲، ۲۰-۱۹)

نظام جدید آموزش و پرورش در ایران

نظام جدید آموزش و پرورش در ایران با تاسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۲۸ آغاز شد. این مدرسه که به سبک اروپایی اداره می‌شد، شامل دوره‌های متوسطه و عالی بود. به دنبال آن با تشکیل وزارت علوم در سال ۱۲۳۲ و سپس آغاز حکومت مشروطه، مدارس متعددی در سطح ابتدایی و متوسطه در تهران و شهرستانها توسعه یافت. (صافی، ۱۳۸۲، ۸)

اما با مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد که نخستین بار در نهم آبان ماه ۱۲۹۰ هجری شمسی، مجلس شورای ملی، قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد. در سال ۱۲۹۴ هجری شمسی، نظارت دولت در امر آموزش و پرورش به صورت یک اصل در متمم قانون اساسی مطرح شد و از این تاریخ، سازمانهای آموزشی در ایران شکل منظم و متمرکزی به خود گرفتند و نظارت دولت بر موسسات آموزشی جنبه قانونی پیدا کرد ولی می‌توان گفت، نظام آموزش و پرورش رسمی ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن به وجود آمده است. تا قبل از انقلاب مشروطیت، آموزش و پرورش در مکتب خانه‌های سنتی ادامه داشت و معمولا دولت و سازمانهای دولتی هیچ‌گونه نظارتی بر آنها نداشتند. اما در سال ۱۲۲۵ هجری شمسی اولین سنگ‌بنای مدرسه دارالفنون توسط میرزاتقی‌خان امیر کبیر بر زمین نهاده شد. در اولین دوره این موسسه عالی به سبک نوین، یکصد نفر جوان در